

ترجمه و برداشتی

از:

قرآن مجید

جزوه سی ام

ترجمه و برداشت: از استاد سید حسن ابطحی

تنظیم موضوعی: جمعی از دانشمندان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ *

الْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَالصَّلَاةُ
وَالسَّلَامُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ أَجْمَعِينَ لَا سِوَا عَلَى
بَقِيَّةِ اللَّهِ رُوحِي وَأَرْوَاحُ الْعَالَمِينَ لِتُرَابٍ مَقْدَمِهِ الْفِدَاءُ

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

پیشگفتار

این جزوه باموضوع بندی مسئله «تزکیه نفس» از آیات قرآن تنظیم شده و هر آیه ای که مربوط به موضوعی از این علم است بعد از همان آیه ترجمه شده و سپس برداشتی از آیات در فصل جداگانه ای ارائه داده شده است. و بخاطر آنکه مباحثمان فعلاً در مسائل تزکیه نفس است قبل از مسائل اعتقادی آیاتی که مربوط به مراحل تزکیه نفس است در این جزوه آورده شده است.

ضمناً نباید گمان کرد، آنچه را که در اینجا می نویسیم تفسیر آیات قرآن بوده و یا حتی توضیح قرآن است. بلکه فقط یک نوع راهنمایی است که برای تدبّر بیشتری در قرآن و توجّه دوستان به سخنان حضرت حقّ جلّ و علایادآوری شده است.

تا ان شاء الله سالکین إلى الله با تأمل زیادتری موفّق به قرائت قرآن گردند. و ضمناً آیاتی که در این جزوه قرائت می شود جابجا شده و تنظیم موضوعی گردیده است.

یعنی اگر شما بخواهید آیانی که مربوط به تزکیه نفس است را پشت سر هم قرائت کنید به ترتیب قرآن مجید در این جزوه آورده شده است و بعدها سایر آیات که مربوط به عقاید و فروع احکام است در جزوات جداگانه ای آورده خواهد شد ان شاء الله.

به امید موفقیت و السلام

سید حسن ابطحی



أَعُوذُ بِاللَّهِ مِنَ الشَّيْطَانِ الرَّجِيمِ

آيات ٨٣-١١١ از سورة مباركة يوسف

قَالَ بَلْ سَوَّلَتْ لَكُمْ أَنْفُسُكُمْ أَمْرًا فَصَبْرٌ جَمِيلٌ عَسَى اللَّهُ أَنْ يَأْتِيَنِي بِهِمْ

جَمِيعًا إِنَّهُ هُوَ الْعَلِيمُ الْحَكِيمُ ﴿٨٣﴾ وَتَوَلَّى عَنْهُمْ وَقَالَ يَا أَسْفَى عَلَى يُوسُفَ وَ

أَبِیضَتْ عَيْنَاهُ مِنَ الْحُزَنِ فَهُوَ كَظِيمٌ ﴿٨٤﴾ قَالُوا تَاللَّهِ تَفْتَوْا تَذْكُرُ يُوسُفَ حَتَّى

تَكُونَ حَرَضًا أَوْ تَكُونَ مِنَ الْهَالِكِينَ ﴿٨٥﴾ قَالَ إِنَّمَا أَشْكُوا بَنِي وَ حُزْنِي إِلَى

اللَّهِ وَ أَعْلَمُ مِنَ اللَّهِ مَا لَا تَعْلَمُونَ ﴿٨٦﴾ يَا بَنِيَّ اذْهَبُوا فَتَحَسَّسُوا مِنْ

يُوسُفَ وَ أَخِيهِ وَ لَا تَيَأْسُوا مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِنَّهُ لَا يَيْئَاسُ مِنْ رَوْحِ اللَّهِ إِلَّا

الْقَوْمُ الْكَافِرُونَ ﴿٨٧﴾ فَلَمَّا دَخَلُوا عَلَيْهِ قَالُوا يَا أَيُّهَا الْعَزِيزُ مَسَّنَا وَ أَهْلَنَا

الضَّرُّ وَ جِئْنَا بِبِضَاعَةٍ مُزْجَاةٍ فَأَوْفِ لَنَا الْكَيْلَ وَ تَصَدَّقْ عَلَيْنَا إِنَّ اللَّهَ

يَجْزِي الْمُتَصَدِّقِينَ ﴿٨٨﴾ قَالَ هَلْ عَلِمْتُمْ مَا فَعَلْتُمْ بِيُوسُفَ وَ أَخِيهِ إِذْ أَنْتُمْ

جَاهِلُونَ ﴿٨٩﴾ قَالُوا إِنَّكَ لَأَنْتَ يُوسُفُ قَالَ أَنَا يُوسُفُ وَ هَذَا أَخِي قَدْ مَنَّ

اللَّهُ عَلَيْنَا إِنَّهُ مَنْ يَتَّقِ وَ يَصْبِرْ فَإِنَّ اللَّهَ لَا يُضِيعُ أَجْرَ الْمُحْسِنِينَ ﴿٩٠﴾ قَالُوا

تَاللّٰهِ لَقَدْ آثَرَكَ اللّٰهُ عَلَيْنَا وَ اِنْ كُنَّا لَخٰطِئِيْنَ ﴿٩١﴾ قَالَ لَا تَتْرِبَ عَلَيْكُمْ

الْيَوْمَ يَغْفِرُ اللّٰهُ لَكُمْ وَ هُوَ اَرْحَمُ الرَّاحِمِيْنَ ﴿٩٢﴾ اذْهَبُوا بِقَمِيصِيْ هٰذَا فَالْتَقُوْهُ

عَلٰى وَجْهِ اَبِيْ يٰتِ بَصِيْرًا وَ اُتُوْنِيْ بِاَهْلِكُمْ اَجْمَعِيْنَ ﴿٩٣﴾ وَ لَمَّا فَصَلَتِ الْعِيْرُ

قَالَ اَبُوْهُمْ اِنِّيْ لَاجِدُ رِيْحَ يُوْسُفَ لَوْ لَا اَنْ تُفَنِّدُوْنِ ﴿٩٤﴾ قَالُوْا تَاللّٰهِ اِنَّكَ لَفِيْ

ضَلٰلِكَ الْقَدِيْمِ ﴿٩٥﴾ فَلَمَّا اَنَّ جَآءَ الْبَشِيْرُ اَلْقَاهُ عَلٰى وَجْهِهِ فَارْتَدَّ بَصِيْرًا

قَالَ اَلَمْ اَقُلْ لَّكُمْ اِنِّيْ اَعْلَمُ مِنَ اللّٰهِ مَا لَا تَعْلَمُوْنَ ﴿٩٦﴾ قَالُوْا يَا اَبَانَا اسْتَغْفِرْ

لَنَا ذُنُوْبَنَا اِنَّا كُنَّا خٰطِئِيْنَ ﴿٩٧﴾ قَالَ سَوْفَ اَسْتَغْفِرُ لَكُمْ رَبِّيْ اِنَّهُ هُوَ الْغَفُوْرُ

الرَّحِيْمُ ﴿٩٨﴾ فَلَمَّا دَخَلُوْا عَلٰى يُوْسُفَ اَوٰى اِلَيْهِ اَبُوْيهٖ وَ قَالَ ادْخُلُوْا مِصْرًا

شَآءَ اللّٰهُ اٰمِنِيْنَ ﴿٩٩﴾ وَ رَفَعَ اَبُوْيهٖ عَلٰى الْعَرْشِ وَ خَرُّوْا لَهٗ سُجَّدًا وَ قَالَ يَا

اَبَتِ هٰذَا تَاْوِيْلُ رُّءْيَايَ مِنْ قَبْلُ قَدْ جَعَلَهَا رَبِّيْ حَقًّا وَ قَدْ اَحْسَنَ بِيْ اِذْ

اَخْرَجَنِيْ مِنَ السِّجْنِ وَ جَآءَ بِكُمْ مِنَ الْبَدُوِّ مِنْۢ بَعْدِ اَنْ نَّزَعَ الشَّيْطٰنُ بَيْنِيْ

وَ بَيْنَ اِخْوَتِيْ اِنَّ رَبِّيْ لَطِيْفٌ لِّمَا يَشَآءُ اِنَّهُ هُوَ الْعَلِيْمُ الْحَكِيْمُ ﴿١٠٠﴾ رَبِّ قَدْ

آتَيْتَنِي مِنَ الْمُلْكِ وَ عَلَّمْتَنِي مِنْ تَأْوِيلِ الْأَحَادِيثِ فَاطِرَ السَّمَاوَاتِ وَ
 الْأَرْضِ أَنْتَ وَلِيِّي فِي الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ تَوَفَّنِي مُسْلِمًا وَ الْحَقِّنِي
 بِالصَّالِحِينَ ﴿١٠١﴾ ذَلِكَ مِنْ أَنْبَاءِ الْغَيْبِ نُوحِيهِ إِلَيْكَ وَ مَا كُنْتَ لَدَيْهِمْ إِذْ
 أَجْمَعُوا أَمْرَهُمْ وَ هُمْ يَمْكُرُونَ ﴿١٠٢﴾ وَ مَا أَكْثَرُ النَّاسِ وَلَوْ حَرَصْتَ
 بِمُؤْمِنِينَ ﴿١٠٣﴾ وَ مَا تَسْأَلُهُمْ عَلَيْهِ مِنْ أَجْرٍ إِنْ هُوَ إِلَّا ذِكْرٌ لِلْعَالَمِينَ ﴿١٠٤﴾ وَ كَأَيِّنْ
 مِنْ آيَةٍ فِي السَّمَاوَاتِ وَ الْأَرْضِ يَمُرُّونَ عَلَيْهَا وَ هُمْ عَنْهَا مُعْرِضُونَ ﴿١٠٥﴾ وَ
 مَا يُؤْمِنُ أَكْثَرُهُمْ بِاللَّهِ إِلَّا وَ هُمْ مُشْرِكُونَ ﴿١٠٦﴾ أَفَأَمِنُوا أَنْ تَأْتِيَهُمْ غَاشِيَةٌ
 مِنْ عَذَابِ اللَّهِ أَوْ تَأْتِيَهُمُ السَّاعَةُ بَغْتَةً وَ هُمْ لَا يَشْعُرُونَ ﴿١٠٧﴾ قُلْ هَذِهِ
 سَبِيلِي أَدْعُوا إِلَى اللَّهِ عَلَى بَصِيرَةٍ أَنَا وَ مَنِ اتَّبَعَنِي وَ سُبْحَانَ اللَّهِ وَ مَا أَنَا
 مِنَ الْمُشْرِكِينَ ﴿١٠٨﴾ وَ مَا أَرْسَلْنَا مِنْ قَبْلِكَ إِلَّا رِجَالًا نُوحِي إِلَيْهِمْ مِنْ أَهْلِ
 الْقُرَى أَلَمْ يَسِيرُوا فِي الْأَرْضِ فَيَنْظُرُوا كَيْفَ كَانَ عَاقِبَةُ الَّذِينَ مِنْ
 قَبْلِهِمْ وَ لَدَارُ الْآخِرَةِ خَيْرٌ لِلَّذِينَ اتَّقَوْا أَفَلَا تَعْقِلُونَ ﴿١٠٩﴾ حَتَّى إِذَا اسْتَيْئَسَ

الرُّسُلُ وَ ظَنُّوا أَنَّهُمْ قَدْ كُذِّبُوا جَاءَهُمْ نَصْرُنَا فَنُجِّيَ مَنْ نَشَاءُ وَلَا يُرَدُّ

بَأْسُنَا عَنِ الْقَوْمِ الْمُجْرِمِينَ ﴿١١٠﴾ لَقَدْ كَانَ فِي قَصَصِهِمْ عِبْرَةً لِّأُولِي الْأَلْبَابِ مَا

كَانَ حَدِيثًا يُفْتَرَىٰ وَلَٰكِن تَصْدِيقَ الَّذِي بَيْنَ يَدَيْهِ وَ تَفْصِيلَ كُلِّ شَيْءٍ وَ

هُدًى وَ رَحْمَةً لِّقَوْمٍ يُؤْمِنُونَ ﴿١١١﴾

ترجمه آیات ۸۳-۱۱۱

يعقوب گفت: بلکه هواهای نفسانی شما، موضوعی را در نظر شما جلوه داده. پس من صبر خوبی خواهم کرد. امید است خدا همه آن‌ها را به من برگرداند. قطعاً او دانای حکیمی است. (۸۳)
و از آن‌ها رو برگرداند و گفت: و اسفاه بر یوسف و چشمان او از حزن سفید شد. اما او کظم غیظ می‌کرد. (۸۴)

گفتند: به خدا قسم، تو همیشه یوسف را با ناله و گریه یاد می‌کنی تا آنکه لاغر و مریض شوی یا از هلاک شوندگان گردی. (۸۵)

يعقوب گفت: قطعاً من غم و اندوهم را تنها به خدا شکایت می‌کنم و من از خدا آنچه را که شما نمی‌دانید می‌دانم. (۸۶)

ای پسرانم، بروید و از یوسف و برادرش تجسس کنید و از رحمت خدا مأیوس نشوید. قطعاً از رحمت خدا، مگر گروه کافران مأیوس نمی‌شوند. (۸۷)

پس زمانی که بر یوسف داخل شدند، گفتند: ای عزیز، ما و اهلمان را ناراحتی و ضرر فرا گرفته است و نزد تو با مبلغ کمی آمده‌ایم. پس پیمانۀ ما را پر کن و به ما صدقه بده که قطعاً خدا جزای صدقه‌دهندگان را می‌دهد. (۸۸)

یوسف گفت: آیا می‌دانید با یوسف و برادرش آن وقتی که شما نادان بودید چه کرده‌اید؟ (۸۹)
برادران یوسف گفتند: آیا تو همان یوسفی؟! گفت: من یوسفم و این برادر من است. خدا بر ما منت گذاشت. قطعاً کسی که تقوا داشته باشد و صبر کند، پس خدا اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند. (۹۰)
گفتند: به خدا قسم، قطعاً خدا تو را بر ما مزیت بخشیده و اگر چه ما خطاکار بوده‌ایم. (۹۱)
گفت: امروز باکی بر شما نیست. خدا شما را می‌آمرزد و او مهربانترین مهربانها است. (۹۲)
این پیراهن مرا ببرید، پس بر صورت پدرم بیندازید تا چشمش بینا شود و بعد خانوادگی، همه‌تان را نزد

من بیاورید. (۹۳)

و وقتی که کاروان (از مصر) حرکت کرد، پدرشان گفت: من بوی یوسف را احساس می‌کنم، اگر مرا به کم عقلی نسبت ندهید. (۹۴)

گفتند: به خدا قسم، قطعاً تو در همان گمراهی قدیمی ات هستی. (۹۵)

پس وقتی که بشارت‌دهنده آمد و پیراهن را بر صورت او انداخت و او بینا گردید، گفت: آیا من به شما نگفتم که من از خدا آنچه را که شما نمی‌دانید می‌دانم؟ (۹۶)

گفتند: ای پدرمان، طلب بخشش کن برای ما گناهانمان را که قطعاً ما از خطاکاران بوده‌ایم. (۹۷)

گفت: به زودی از پروردگارم برای شما طلب بخشش می‌کنم. قطعاً او همان بخشندهٔ مهربان است. (۹۸)
پس چون همه‌شان بر یوسف وارد شدند، پدر و مادرش را در آغوش گرفت و گفت: داخل مصر شوید که انشاءالله در امانید. (۹۹)

و پدر و مادرش را بر تخت بالا برد و همه برای او به سجده افتادند و یوسف به پدرش گفت: ای پدر، این تعبیر خوابی است که قبلاً دیده بودم. پروردگارم آن خواب را به حقیقت رساند و به من نیکویی کرد، وقتی که مرا از زندان بیرون آورد و شما را از بیابان نزد من آورد، بعد از آنکه شیطان بین من و بین برادرانم اختلاف انداخته بود. به درستی که پروردگار من به هر چیزی که بخواهد لطف می‌کند. قطعاً او عالم حکیمی است. (۱۰۰)

پروردگار من، تو به من بخشی از سلطنت را عنایت کردی و به من تعبیر خوابها را یاد دادی، خالق آسمانها و زمینی، تو ولی من در دنیا و آخرتی، مرا مسلمان بمیران و به شایستگان ملحقم فرما. (۱۰۱)
آن از خبرهای غیبی است که ما آن را به تو وحی کردیم. تو که نزد آنها نبودی وقتی که نظراتشان را یکی می‌کردند و نقشه می‌کشیدند. (۱۰۲)

و بیشتر مردم هر چه تو حرص بزنی، مؤمن نخواهند بود. (۱۰۳)

و تو از آنها برای آن اجر نمی‌خواهی. آن کار تو جز تذکری برای جهانیان چیزی نیست. (۱۰۴)
و چه بسیار از نشانه‌ای که در آسمانها و زمین است که مردم از آن می‌گذرند و آنها از آن رومی‌گردانند. (۱۰۵)

و اکثر آنها به خدا ایمان نمی‌آورند، بلکه آنها مشرکند. (۱۰۶)

آیا پس خود را در امان می‌بینند از اینکه عذاب فراگیر از جانب خدا به آنها برسد یا ساعت مرگ و قیامت ناگهان آنها را بگیرد؟ و حال آنکه آنها متوجه نیستند. (۱۰۷)

بگو: این راه من است. من و پیروانم با بصیرت کامل همهٔ مردم را به سوی خدا دعوت می‌کنیم و خدا پاک است و من از مشرکین نیستم. (۱۰۸)

و قبل از تو کسی را نفرستادیم، مگر مردانی از اهل آبادیها که به آنها وحی می‌کردیم. آیا پس چرا در

روی زمین سیر نمی‌کنند تا ببینند عاقبت کسانی که قبل از آن‌ها بوده‌اند چگونه بوده است؟ و خانه آخرت برای کسانی که تقوی داشته باشند بهتر است. آیا پس چرا تعقل نمی‌کنید؟ (۱۰۹)

تا آن وقتی که پیامبران مایوس شدند و مردم گمان کردند که به آنان دروغ گفته شده است، یاری ما به آن‌ها رسید. پس هر که را که ما خواستیم، نجات یافت و عذاب ما از قوم گناهکار برداشته نمی‌شود. (۱۱۰)

قطعاً در قصه‌های پیامبران پند و اندرز برای صاحبان مغز است. این‌ها رمانهای دروغین و بافتنی نیست، بلکه تصدیق‌کننده آنچه قبل از او بوده است، می‌باشد و شرح و توضیح همه چیزها است و هدایت و مهربانی از برای قومی که ایمان آورده‌اند، می‌باشد. (۱۱۱)

برداشت از آیات ۸۳-۱۱۱

سالک الی الله باید آنچه از این آیات استفاده می‌شود مورد توجه قرار دهد و به آن‌ها عمل کند:

اول: آن که بداند وقتی کارها سخت می‌شود، خدای تعالی به او کمک می‌کند و همه انتظارات او انجام می‌گردد.

دوم: به هیچ وجه نباید از رحمت خدا مایوس شود زیرا یأس از رحمت خدا کفرآور است.

سوم: سالک الی الله باید کریم باشد و اگر بدی‌های دیگران را خواست به آن‌ها متذکر شود، باید برای آن‌ها عذرشان را هم متذکر گردد.

چهارم: کسی که تقوا داشته باشد و صبر کند، جزء نیکوکاران است و خدای تعالی اجر نیکوکاران را ضایع نمی‌کند.

پنجم: سالک الی الله باید از سر تقصیرات دیگران زود بگذرد و از خدا بخواهد که آن‌ها را بیامرزد.

ششم: باید بین خود و خدایش واسطه آبرومندی قرار دهد تا او برای سالک الی الله در وقتی که دعا مستجاب است، دعا کند.

هفتم: باید به پدر و مادرش احترام کند و نگذارد که آن‌ها به او ولو دارای قدرت است، بیشتر احترام کنند.

هشتم: اگر خواست تبلیغ دینش را بکند، باید به مردم بفهماند که اجر و مزدی از آن‌ها نمی‌خواهد و به آن‌ها نیازمند نمی‌باشد.

نهم: باید در روی زمین به خاطر عبرت گرفتن از زندگی گذشتگان سیر و سفر کند و بداند که آخرت برای کسانی که اهل تقوی هستند از آنچه در دنیا است بهتر است، اگر عقلش را به کار بیندازد.

دهم: باید بداند خدای تعالی که در قرآن قصه‌های انبیاء ﷺ را بیان فرموده برای پند گرفتن او است، رمان دروغین نیست، بلکه هدایت و راهنمایی برای مؤمنین است.